اسرار سبزواری و فلسفه او

مدرسی چهاردهی، مرتضی

مثنوی در جانها اثر دارد

مثنوی مولانا از آغاز انتشار تاکنون مورد توجه صاحب‏نظراناست، عارفان و شیفته‏گان معرفت به ابیات شورانگیزش مترنم‏اند.درست بیاد دارم پدرم‏ هم یکی از فریفته‏گان مثنوی و رباعیات باباطاهر عریان بود،در شبانه‏روز دمی را با ابیات آن نغمه‏سرایان عالم ملکوت مترنم میشد و تن رنجور و خسته‏ و رشته اندیشه و خیال را بمثنوی معنوی یا دوبیتی‏های عارف لرهمدانی می‏سپرد تا چندی از نجهان مادی دور گردد،چه پدرانم همه عالمان دین بودند که‏ روحانیت را با معرفت آموخته و بدرس و بحث و تألیف و تصنیف معارف اسلامی‏ پرداخته‏اند.

مثنوی تأویلی است از قرآن

مولوی در کتاب مثنوی بآیات قرآن مجید استناد می‏کند،چنان جان‏ مطلب را در کتاب آسمانی می‏یابد که گمان کنند تفسیر و تأویل آیه شریفه همان‏ است که مثنوی گوید،یا حقیقت فرقان است که وی می‏سراید،این‏ها همه از اسرار اعجاز قرآن مجید است که:

هرکس بزبانی سخن وصف تو گوید بلبل بغزل‏خوانی و قمری بترانه

شرح مثنوی اسرار

اسرار سبزواری هم مانند سایر حکماء و عرفای بزرگ با مثنوی معنوی‏ مأنوس بود و کتاب بسیار نفیسی در شرح مثنوی بفارسی تألیف کرد،در مقدمه‏ کتاب شرح شش دفتر مثنوی نوشت که چون مثنوی تفسیر قرآن مجید است، معانی دقیق کلمات آسمانی کتاب خدا را بیان مینماید بنابراین در حاشیه تفسیر، کلمات مولوی را شرح می‏دهد و بتألیف شرح شش دفتر مثنوی بپردازد کتاب‏ شرح مثهنوی اسرار در 1285 هـ.ق چاپ سنگی بسیار اعلا در تهران شد.

مثنوی چاپ وقار شیرازی

وقار شیرازی با خط زیبای شکسته‏نستعلیق مثنوی معنوی را در بمبئی مینوشت‏ و برای چاپ آماده می‏ساخت.

بعضی از آیات قرآنی را که متناسب با ابیات مثنوی می‏یافت در حاشیه‏ بیت‏های مولانا کتابت نمود،چون عارفی وارسته و شاعری آزاده و صاحب‏کمال‏ و هنر بود برخی از آیه‏های شریفه را براستی خوب دریافت،مثنوی وقار بهمین‏ جهت باارزش و نایاب گشت«ایکاش دوباره افست شود و مانند دیوان حافظ بخط قدسی به بازار آید.»

مثنوی وقار از نظر اسرار

گویند هنگامی که مثنوی چاپ وقار بنظر حکیم رسید گفت:هرگاه‏ پیش از تألیف شرح ابیات مثنوی این کتاب را دیده بودم هرگز بتألیف آن‏ نمیپرداختم.

این هم نهایت انصاف و وارسته‏گی و بلندنظری اسرار سبزواری بود. آری پیش از این بسیار بودند بزرگان روحانی و معرفت که نمونه کمال پارسائی‏ و فضیلت بودند و براستی سرمشق و نمونه خوبی برای مردم بشمار آمدند و دریغا:

چون‏که گل رفت و گلستان شد خراب‏ بوی گل را از چه جوئیم از گلاب

هرگاه این سخن از اسرار باشد شاید بتوان گفت وی هم ماند وقار شیرازی مثنوی را تأویلی از قرآن میپنداشت‏1.